

روی خط سینما

• ساخت سریال «آقازاده» که با طراحی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی حامد عنقا و کارگردانی بهرنگ توفیقی برای پخش در شبکه نمایش خانگی تولید می‌شود، به دلیل شیوع ویروس کرونا متوقف شد. تولید این سریال از ۶ ماه پیش آغاز شده و گویا تنها سه هفته به پایان آن باقی مانده بود.

• اولگا کوریلنکو بازیگر اوکراینی فیلم جیمز باند اعلام کرد که بعد از یک هفته تب و خستگی به پزشک مراجعه کرده و تست کرونا ای مثبت بوده است و هم‌اکنون بعد از پایان بازی در فیلم خلیج سکوت در منزل قرنطینه است. اولگا کوریلنکو از مردم خواست بماندن در منزل به کاهش این بیماری کمک کنند.

• بیل دی‌بلاسیو شهردار نیویورک و اریک کارستی شهردار لس‌آنجلس دستور تعطیلی سینماهای این شهرها را در پاسخ به گسترش ویروس کرونا صادر کردند. این نخستین بار در تاریخ است که سینماها به دللی غیر از آب‌وهوا تعطیل می‌شوند. نیویورک سیتی یکشنبه مجبور شد یک قدم دیگر هم بردارد و آن بستن همه رستوران‌ها، کلوب‌های شبانه و سالن‌های کوچک کنسرت بود. این تعطیلی از سه‌شنبه ۹ صبح آغاز می‌شود و تا بیستم آوریل (یکم اردیبهشت) ادامه خواهد داشت. رستوران‌ها تنها می‌توانند غذا برای بردن سرو کنند.

• نگرانی از شیوع ویروس کرونا در میان مخاطبان، مجموعه فروش گیشه هفتگی آمریکای شمالی را به کمترین میزان خود در ۲۰ سال اخیر رساند. مجموع فروش گیشه هفتگی سینماهای آمریکای شمالی به سبب شیوع ویروس کرونا، تعطیلی برخی سالن‌ها و همچنین ظرفیت محدود برخی سینماهای دیگر به ۵۵.۳ میلیون دلار رسید. پیش از این در سال ۲۰۰۰ میلادی بود که گیشه فروش هفتگی سینمای آمریکا ۴۵.۵ میلیون دلار را به ثبت رسانده بود.

منهای سینما

• این روزها پلترم‌های فیدیبو، طاقچه، نوار، کتابراه و پژوهان با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتاب‌های بزرگسال خود را در قالب پویش #کتاب_خانه با ۷۰ درصد و کتاب‌های کودک و نوجوان را با ۸۰ درصد تخفیف عرضه خواهند کرد. همچنین سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد هم در توییته ضمن توصیه به از دست‌ندادن فرصت کتابخوانی در این روزها، از تخفیف در فروش و ارسال کتاب خبر داد.

• اثر جدید «دانیل استیل» نویسنده پرکار و پرفروش آمریکایی در جایگاه چهارم فهرست جدید هفتگی رمان‌های پرفروش نشریه نیویورک تایمز دیده می‌شود. البته رتبه نخست پرفروش‌های داستانی که هفته پیش به رمان جدید «جیمز پترسون» و «جیمز او بورن» تعلق داشت، این هفته به رمان «خانه زمین و خون» نوشته «سارا جی ماس» اختصاص پیدا کرده است. «محدوده طولانی» نوشته «سی جی باکس» که بیستمین جلد از سری داستانی‌های «جو پیکت» این نویسنده است، نیز با کنار زدن رمان موفق «جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» در رتبه دوم این فهرست قرار گرفت. همچنین «رمان جایی که خرچنگ‌ها آواز می‌خوانند» نوشته «دلیا اونژ» پس از گذشت هفتاد و نه هفته حضور در فهرست پرفروش‌های داستانی نیویورک تایمز این بار در جایگاه سوم به چشم می‌خورد.

• برگزیدگان چهاردهمین دوره جایزه کتاب سال شعر ایران به انتخاب «خبرنگاران» در بهار ۱۳۹۹ معرفی می‌شوند. دبیرخانه این جایزه که آیین پایانی آن دوره‌اش، طبق روال هر ساله، قرار بود در نیمه دوم اسفندماه برگزار شود، اعلام کرد که با توجه به وضع شیوع ویروس کرونا و فراهم نبودن شرایط هرگونه گردهمایی در حال حاضر، در صورت بهبود اوضاع، آیین پایانی این دوره از جایزه، استثنائاً در نیمه دوم فروردین یا اردیبهشت ماه سال آتی برگزار خواهد شد. ضمن آنکه در صورت تداوم شرایط، به ضرورت رعایت اصول ایمنی بهداشتی، ممکن است این مراسم به صورت خصوصی و آنلاین پیش از تابستان آینده برگزار شود.

دیالوگ

• قربان محمدپور، کارگردان فیلم سینمایی «عاشقی در هانوی»: «طی برنامه‌ریزی که داشتیم قرار بود اسفندماه برای آغاز فیلمبرداری «عاشقی در هانوی» به ویتنام سفر کنیم که متأسفانه به دلیل شیوع ویروس کرونا این اتفاق نیفتاد. حدود سه هفته پیش از سوی دولت ویتنام به ما اعلام کرده بودند که به دلیل شیوع ویروس کرونا در ایران، ویزا برای ما صادر نمی‌شود. آنچه مشخص است تا زمانی که ویروس کرونا به صورت کامل در ایران از بین نرود، ویزای ویتنام برای ما صادر نخواهد شد.»

• علی میرمیرانی، طراح و کارگردان برنامه تلویزیونی «واکسن»: «این روزها بنایی برای ساخت برنامه تلویزیونی نداشتم، چون لازمه این امر این بود که پروژه‌ها و برنامه‌های دیگر را متوقف کنم، با این حال حس شخصی من این بود که شرایط روحی و اجتماعی این روزها افت کرده و نیاز است برای مردم کاری انجام دهیم. تلویزیون انگار برنامه‌ریزی برای این شرایط ندارد و اگر هم برنامه‌ریزی می‌کند، بیشتر آموزشی و اطلاع‌رسانی است و فقط دستوری برخورد می‌کند. من تاکنون ده‌ها گفت‌وگو برای تلویزیون گرفته‌ام که در دهه ۹۰ پخش شده است و از همین تلویزیون هم برای برنامه‌های ترکیبی و مناسبتی جایزه گرفته‌ام، بنابراین وقتی گفت‌وگوی من شرحه‌شرحه می‌شود، یعنی نوعی بدسلیقگی رخ داده است.»

• شهرام صارمی، نوازنده، آهنگساز و پژوهشگر موسیقی: «بالاخره زندگی یک بهار دارد و یک زمستان و خوشی و سختی در کنار هم هستند. نمی‌توان برای ۸۰ میلیون آدم یک نسخه را تجویز کرد. قطعاً ما نیز از این اتفاقات ناراحت هستیم، ولی اگر بدانم که با ساز زدن من چند نفر خوشحال می‌شوند، این کار را خواهم کرد. باید در بین مردم جابفتند که زندگی در جریان است. باید کوشش کنیم تا شرایط را تا حدودی تغییر دهیم.»

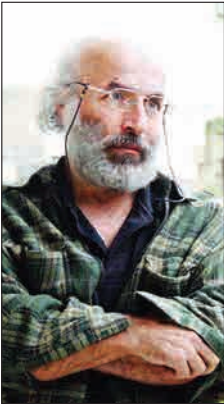
• اکبر اکسیر، شاعر و طنزپرداز: «من امیدوارم هرچه زودتر با اتحادی که هنرمندان، شاعران و تمام اهل ادب دارند، بتوانیم این بیماری بزرگ را از جامعه ایران دور کنیم و باز در کنار هم یک جامعه بسیار خوب و یکدل داشته باشیم. بزرگترین پیام کرونا به مردم این بود که ثابت کرد در روزهای خطرناک می‌توان با همفکری و اتحاد خیلی زود سایه خطر را از روی سر برداشت.»

• علی شمس، نمایشنامه‌نویس و کارگردان ایرانی تئاتر که این روزها در ایتالیا به سر می‌برد: «شهر ژم طی ۷۰ سال گذشته این‌قدر خلوت دیده نشده است. شهر ژم بعد از اشغال آن توسط متفقین در جنگ جهانی دوم، حدود ۷۰ سال یکی از شلوغ‌ترین شهرهای دنیا به لحاظ توریست و جمعیت بوده است و حالا برای نخستین بار بعد از ۷۰ سال این شهر یک خودانزوا می‌باشد و پیش گرفته و تعطیل شده است، زیرا ساکنان آن پیش‌تر عمیقاً شیوع ویروس کرونا را جدی نمی‌گرفتند.»

کیانوش عیاری:

شفافیت مهم‌ترین راه برون‌رفت از بحران است

کیانوش عیاری در یادداشتی به مسئولان توصیه کرد که در این شرایط تنها راه شفاف‌سازی امور است. یادداشت این کارگردان و نویسنده را در ادامه می‌خوانید: اگر چه اعتقاد دارم به چند درصد از حرف‌هایی که در فضای مجازی زده می‌شود، نیاید بی‌اعتنایی کرد و باید آنها را جدی گرفت ولی به‌رغم چنین بینشی، حتی خود من هم وقتی آنها را می‌خوانم دچار نگرانی می‌شوم. این حرف‌های من شامل جامعه‌ای است که در کمال بی‌رحمی نسبت به خود و جامعه، وقتی اسم تعطیلات می‌آید، همه به سمت شمال هجوم می‌برند. جامعه‌ای که در آن تحصیل‌کرده هم هست. اگر قرار باشد بگویم به مردم ایران روحیه دهیم، وقتی مردم ایران روحیه‌ای ندارند و در وحشت کرونا هستند، در واقع از مرگ می‌ترسند که البته ترس از مرگ نیز خیلی طبیعی است. در این جامعه اگر این وحشت‌ها و ترس‌ها هم نباشد و دیگر نخواهند فضا را تطبیق کنند و امید واهی به جامعه دهند، بیشتر منجر به رعایت‌نشدن هشدارها از سوی مردم خواهد شد. این پارادوکسی است که در حال حاضر ما درگیر آن هستیم. گمان می‌کنم که تنها و تنها راه آن است که همه چیز صریح گفته شود؛ اگر به بهانه آنکه ما نمی‌خواهیم باعث وحشت مردم شویم، پنهان‌کاری کنیم. این مسأله فرصتی خواهد شد برای دروغ‌گوینان و پنهانکاران، برای هر کسی که به نحوی ممکن است منافعش ایجاب کند، دروغ بگوید و اگر راستی در قدرت داشته باشد مثلاً دست به احتکار بزند. بنابراین تنها راه را این می‌بینم که همه چیز در دسترس دید همه مردم باشد. شفافیت اگر تنها راه برون‌رفت از وضع فعلی نباشد، دست‌کم می‌تواند مهم‌ترین باشد. اگر مردم حرف‌هایی را که از رسانه‌ها می‌شنوند، باور کنند، ممکن است اتفاق مثبتی باشد. کرونا ممکن است دستاوردهایی داشته باشد که رعایت بیشتر بهداشت، آماده‌شدن برای یک دوره چندماهه و شروع یک زندگی جدید و نادیده‌گرفتن عادت‌های مسموم قبلی، از جمله مهم‌ترین آنهاست. ما حق نداریم که مثل سابق هم زندگی کنیم و در عین حال از خودمان نیز مراقبت به‌عمل بیاوریم.»



امیرجدیدی

گفت‌وگوی «شهروند» با لوریس چکناواریان درباره کرونا، نورو و مواجهه ایتالیایی با کرونا

شاید ویروس کرونا عشق را به جهانیان پیامورد

«نیره خادمی» بگذار بخوانم / یا گیتاری در دست / بگذار تا بخوانم / من یک ایتالیایی هستم / روز بخیر ایتالیا با اسپاکنی‌های تردت / این بخشی از ترانه قدیمی «ال ایتالیا نو» یا «لاشانه می‌کانتاره» اثر «توتو کونونیو» موسیقیدان مشهور ایتالیایی است که مردم ایتالیا در این روزهای کرونا و قرنطینی از پنجره یا بالکن خانه‌هایشان فریاد می‌زنند تا بگویند دوباره روزهای روشن خواهد آمد و به کشورشان سلام خواهند کرد. آنها کنار پنجره به موسیقی هم گوش می‌دهند و با هم ترانه می‌خوانند تا همبستگی‌شان را نشان دهند و ناامید نشوند، ما چه کنیم؟ این سوال به همراه چند نکته دیگر درباره شیوه برخورد بزرگان با مشکلات و نگرانی‌های امروزی بهانه گفت‌وگوی «شهروند» با لوریس چکناواریان، موسیقیدان نامی ایرانی-ارمنی در آخرین روزهای سال ۹۸ شد؛ آن هم در شرایطی که نوروز ۹۹ را به شکلی متفاوت‌تر از گذشته، پیش رویمان داریم. لوریس چکناواریان که همیشه از صلح جهانی گفته و حتی برای آن موسیقی هم ساخته است حالا از همان دید درباره ماجرای کرونا و آینده جهان در سال جدید حرف می‌زند: «این اتفاقات تجربه جدیدی برای ارتقای بشر است تا شاید در نهایت عشق را پیامورد و به این شعر سعدی برسد که «بنی آدم اعضای یکدیگرند». مردم ایتالیا این روزها برای نشان دادن همبستگی‌شان موسیقی را از پنجره خانه‌هایشان فریاد می‌زنند. در واقع موسیقی مهم‌ترین رکن زندگی آنهاست و شعر مهم‌ترین مشخصه مردم ایران. در ایران همیشه موسیقی پشت شعرها پنهان بوده بنابراین مردم ایران هم می‌توانند سر از پنجره بیرون ببرند و برای هم شعر بخوانند.»

••• در این عصر کرونا با هجوم خبرها چه می‌کنید؟

من که در خانه زندانی هستم؛ از آنجا که تلویزیون هم ندارم خبر ندارم بیرون از خانه چه اتفاقی می‌افتد. تمام اخبار این روزها را از طریق دوستان می‌شنوم. به هر حال اتفاقات خوبی نیست و شاید هیچ‌کس به درستی نداند، سرانجام آن چه خواهد شد.

••• در روزهای گذشته که کرونا باعث قرنطینه و تعطیل شدن تمام ابعاد

زندگی ایتالیایی‌ها شده، ویدیوهایی منتشر شد از اینکه مردم ایتالیا از پنجره یا بالکن خانه به نواختن ساز و خواندن آواز روی آورده‌اند تا آندوه این روزها از میان برود. من فکر می‌کنم مردم ایران هم باید در این شرایط راهی اینچنین برای ابراز هم‌دردی و شادی داشته باشند و در این میان شاید هیچ چیزی بهتر از موسیقی نباشد.

خیلی جالب است. هر کس به نوبه خود کاری انجام می‌دهد تا بتوان راحت‌ترین روزها را سپری کرد. ایتالیا کشور موسیقی است و در آنجا موسیقی بسیار مهم است. مردم ایتالیا با موسیقی بزرگ می‌شوند، موسیقی مهم‌ترین رکن زندگی آنهاست و بدون موسیقی زندگی آنها نمی‌گذرد. در ایران البته ما به موسیقی توجهی نداریم و به جای آن ملت شعر هستیم، بنابراین بهتر است مردم و شاعران ما با صدای بلند از پنجره برای هم شعر بخوانند. به هر حال موسیقی ما مثل کشورهای اروپایی پیشرفته نیست، همان‌طور که استادان پیشین موسیقی گفته‌اند در موسیقی ما شعر مهم است و موسیقی همیشه در پشت شعرهایمان پنهان بوده است.

••• البته در مقاطع بحرانی موسیقی همیشه به کمک آمده است؛ مثلاً موسیقی حماسی دوران انقلاب و حتی مارش‌های زمان جنگ.

حالا که جنگی در کار نیست، اما درست است موسیقی مهم‌ترین چیز در زندگی انسان است، اگر موسیقی نبود، مطمئناً انسان می‌مرد، چون موسیقی زبان خداست. در صورتی که به موسیقی بیشتر توجه شود، حتماً حال مردم بهتر خواهد شد. مثلاً اگر در این شرایط ماشین‌هایی در خیابان‌ها می‌گذاشتند که موسیقی محلی یا سنتی‌مان را پخش کنند، تأثیر خوبی در میان مردم داشت. شاید این ویروس باعث شود نوع نگاه به موسیقی در ایران تغییر کند و بیشتر به اهمیت آن در زندگی مردم توجه شود.

••• ویروس کرونا پیچیدگی‌های زیادی ایجاد کرده است. برخی در مواجهه با این ویروس ترسیده‌اند، برخی اصلاً آن را جدی نگرفته‌اند و به هشدارها توجهی نمی‌کنند. به اعتقاد شما در مواجهه با این ترس و آن بی‌خیالی چه باید کرد؟

آدم نباید از هیچ چیزی ترس داشته باشد. امام علی (ع) هم می‌گوید ترس بزرگترین دشمن آدم است، پس باید آن را از بین برد. با رعایت اصولی که به ما گوشزد می‌شود، می‌توان با ترس مقابله کرد. البته در حالت ترس و نگرانی شما حتی نمی‌توانید به کار هنری بپردازید، نه کتاب، نه موسیقی، نه شعر، نه نقاشی و نه هیچ چیز دیگر. این کارها نیاز به تمرکز دارند، بنابراین باید ابتدا فکرتان راحت باشد، ترس و نگرانی را از خود دور و زندگی روزانه را فراموش کنید و در کنار آن از هنر و علاقه‌مندی‌هایتان کمک بگیرید. حالا هر کس به چیزی علاقه دارد یک نفر موسیقی، یک نفر خواندن دعا و نماز و دیگری کتاب مقدس.

••• خودتان این روزها را چگونه می‌گذرانید؟

من این روزها جایی نمی‌روم. موسیقی گوش می‌کنم و چون علاقه زیادی به فیلم مستند دارم، سعی می‌کنم با آن خود را سرگرم کنم. این را هم بگویم که ترسی ندارم. درست است که انسان باید یکسری اصول را رعایت کند، اما در نهایت هیچ‌کس نمی‌تواند از سرنوشت فرار کند، بنابراین باید زندگی کنید. دنیا تجربه‌های بدتر از این را

هم دیده است، مثل جنگ جهانی اول و دوم. اتفاقات آن زمان در دنیا وحشتناک بود، آدم‌های زیادی کشته شدند، از گرسنگی مردند یا عزیزان‌شان و همه زندگی‌شان را از دست دادند. شاید بشود گفت که این جنگ جهانی سوم است، منتهی خوشبختانه اتمی در کار نیست. حالا مسأله ما ویروس است که امیدوارم به‌زودی ریشه‌کن شود. تلفات این ویروس بسیار کمتر از تلفات جنگی است که پیش‌بینی می‌شد جنگ سوم جهانی داشته باشد. حالا حداقل در خانه‌های امن خودمان هستیم و منتظریم که این باد بادی از سر ما رد شود.

به‌هرحال نوروز هم در راه است و امسال همه باید از دیدوبازدید عید صرف‌نظر کنیم و اگر نتوانیم ممکن است اتفاقات خوبی در انتظارمان نباشد.

مردم امسال عید هم در خانه و در کنار خانواده گل می‌گویند و گل می‌شنوند.

این هم تجربه جدیدی از عید نوروز است. بشر بسیار موجود جالبی است، هر چیزی پیش بیاید، به آن عادت می‌کند. البته ما ایرانی‌ها راهی برای جشن گرفتن پیدامی‌کنیم و حتما هم عید نوروز را در خانه‌ها جشن می‌گیریم. مردم ایران هیچ‌گاه متوقف نمی‌شوند. حالا که واتس‌آپ و شبکه‌های اجتماعی ارتباطات را راحت کرده است و مردم می‌توانند از طریق تماس تصویری یکدیگر را از راه دور ببینند. به‌هرحال انسان در شادی بدبختی زار فراموش می‌کند و این نیز می‌گذرد.

••• شاید هم این شرایط تجربه جدیدی برای ارتباط با خود و تنهایی خود به دور از شلوغی‌ها باشد.

بله. آدم به خود و خانواده خود نزدیک می‌شود. ما ایرانی‌ها همیشه اتفاقات را خیلی زود فراموش می‌کنیم، البته درباره کار بشر هم همین است. انسان بدترین اتفاقات در تاریخ بشر را هم فراموش می‌کند و اگر فراموش نکند، نمی‌تواند آینده را بسازد. بنابراین این روزها هم فراموش می‌شود، البته اگر زنده بمانیم و اتفاق بدتری نیفتد. به قول انگلیسی‌ها مرگ راه خود را دارد و زندگی هم راه خود را.

••• برخی هم می‌گویند این ویروس شیوع پیدا کرده تا بشر ایمنی خود و زندگی خود را تقویت کند. شما این‌طور فکر نمی‌کنید؟

شاید یک پیام طبیعی و الهی در این ماجرا باشد و درسی هم در آن نهفته باشد. کمترین چیزی که این ویروس دارد، آماده‌کردن بشر برای مشکلات بعدی است. هر چیزی در این جهان آموزنده است و بدترین اتفاق حتماً جنبه‌های مثبتی هم دارد. خدا را شکر که این اتفاق افتاده است، می‌توانست بدتر باشد، ممکن بود جنگ جهانی شود. مطمئناً این هم می‌گذرد و شاید سال آینده، سال بهتری باشد.

••• این اتفاق چه جنبه مثبت دیگری می‌تواند در خود داشته باشد؟

شاید بشر با این تجربه «عشق» را بیاموزد؛ چیزی که تا به حال نتوانسته به درستی آن را یاد بگیرد. انسان‌ها هنوز پس از قرن‌ها یاد نگرفته‌اند یکدیگر را دوست بدارند و مراقب هم باشند. ما در این دنیا تنها نیستیم و همه با هم هستیم. اگر فکر کنیم که همه خانواده هستیم، در صورت ضربه به یک نفر سعی می‌کنیم به او کمک کنیم تا سلامتی خود را به دست بیاورد. هر کشوری باید این را بفهمد؛ همان حرفی که سعدی هم در شعرش گفت و من موسیقی آن را ساختم. بنی آدم اعضای یکدیگرند. باید به این حرف برسیم و بفهمیم در دنیا همه یکی هستیم، چینی، ایرانی، روسی، ژاپنی و غیره نداریم. حال یک کشور بد باشد، حال ما هم بد است، اما بشر این‌قدر خودخواه است که هنوز به این نتیجه نرسیده است. اگر بفهمیم که فرقی با ملت‌های دیگر نداریم، به خدا می‌رسیم، اما وقتی فقط به خودمان فکر می‌کنیم، نتیجه‌اش می‌شود هجوم به داروخانه و فروشگاه‌ها. عده‌ای همه اجناس و داروها را خریداری می‌کنند و هیچ چیزی برای بقیه هم‌نوعان خود باقی نمی‌گذارند. باید بفهمیم دنیا کشتی بزرگی است و تنها نیستیم یا همه با هم غرق می‌شویم یا همگی نجات پیدا می‌کنیم و به هدف می‌رسیم.